

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نېاشد تن من مېباد بدین بوم و بر زنده یک تن مېباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

فرستنده: مناف فلکی فر

۲۰ اگست ۲۰۱۷

در دفاع از کارگران نیشکر هفت تپه

یورش نیرو های امنیتی و انتظامی جمهوری اسلامی به کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه ، یک بار دیگر تنیدگی نیروی سرکوب جمهوری اسلامی با کارفرمایان و سرمایه داران را به نمایش گذاشت و نشان داد که چگونه جمهوری اسلامی در دفاع از سرمایه داران، نیرو های انتظامی خود را وحشیانه برای قلع و قمع و سرکوب کارگران و خانواده های محروم و گرسنه آن ها می فرستد که تنها خواهان گرفتن حقوق انسانی و دستمزدهای عقب افتاده شان هستند. کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه مدت هاست که نسبت به عدم پرداخت دستمزدهای شان و همچنین عدم پرداخت حق بیمه های شان توسط کارفرما، به سازمان تأمین اجتماعی معترض می باشند.

کارگران زحمتکش سر انجام پس از این که همه راه های شناخته شده "قانونی"، از نامه نگاری به مقامات دولتی تا مذاکره با کارفرما را جهت جلب نظر کارفرما و مقامات دولتی نسبت به مطالبات به حق شان به کار گرفتند و باز هم با بی اعتنائی آن ها مواجه شدند، چاره ای نیافتند به غیر از آن که از حق طبیعی شان برای اعتراض استفاده کنند و به همین منظور برای رساندن صدای خویش دست به اعتصاب زدند. در تداوم این اعتصاب با پیوستن خانواده های کارگران به کارگران اعتصابی، دامنه این اعتراض از محل شرکت به جاده شوش - اهواز کشانده شد که طی آن کارگران به جان آمده به گزارش ایلنا "محور ترانزیتی شوش به اهواز" را مسدود نمودند. این اقدام متهورانه کارگران باعث شد هم خبر اعتصاب کارگران هفت تپه انعکاس هر چه وسیع تری پیدا کند و هم مقامات دولتی و کارفرما را مجبور به شکستن سکوت و بی اعتنائی شان نمود.

در اولین اقدام ، کارفرمایان و نیروی انتظامی پشتیبان آن ها تلاش کردند تا کارگران معترض را که جاده شوش به اهواز را بسته بودند با وعده و وعید از جاده به کارخانه بازگردانند. اما این حيله با توجه به تجارب قبلی کارگران مؤثر نیفتاد. در نتیجه نیروهای سرکوبگر جمهوری اسلامی به صحنه اعزام شدند و آن ها نیز بنا به ماهیت سرکوبگرانه خویش ، بدون توجه به حرف های کارگران و دلیل شروع این اعتراضات - که پاسخی به عدم توجه کارفرما نسبت به خواست های به حق کارگران بود - به تجمع کارگران حمله نموده و تعدادی از کارگران را دستگیر نمودند. نیرو های امنیتی و انتظامی با حمله به خانه کارگران از شب شنبه سوم مرداد ماه [اسد] ، در مرحله اول ۱۵ کارگر را بازداشت و سپس این تعداد را به بیست نفر رساندند. مزدوران رژیم کارگران بازداشتی را بدون اطلاع خانواده های شان به مکان نامعلومی برده و تا مدت ها پیگیری خانواده ها جهت روشن شدن محل نگهداری کارگران زندانی به جانی نرسید.

اگر در همین حد روی تجربه مبارزه کارگران نیشکر هفت تپه تعمق کنیم خواهیم دید که چگونه مبارزه صنفی آن ها تحت شرایط حاکم بر جامعه سرمایه داری ایران که سرمایه داری وابسته به امپریالیسم می باشد به ناچار کار را به مقابله کارگران با رژیم یعنی قدرت سیاسی حاکم کشاند. معنای این واقعیت نیز جز این نیست که کارگران در تداوم مبارزه صنفی خویش به مبارزه سیاسی کشانده شدند، مبارزه سیاسی که در شرایط دیکتاتوری حاکم شکل قهر آمیز (بستن جاده) به خود گرفت.

مهمترین خواسته های کارگران پرداخت دستمزدهای عقب افتاده شان که از اردیبهشت [ثور] تا تیر [سرطان] ۹۶ را در بر می گیرد و به حساب شان واریز نشده و همچنین واریز کردن حق بیمه شان از سوی کارفرما بود (و می باشد) ، اما با توجه به یورش رژیم به کارگران ، اکنون آزادی کارگران دستگیر شده هم به سایر خواست های آن ها افزوده شد. کارفرما و نیروهای امنیتی و انتظامی قصد داشتند با ایجاد فضای رعب و وحشت در اتحاد کارگران شکاف ایجاد کرده و اعتصاب کارگران را درهم بشکنند. اما کارگران مبارز مجتمع نیشکر هفت تپه به جای ترس از این دستگیری ها و عقب نشینی از مطالبات به حق شان، اعلام کردند نه تنها تا رسیدن به خواست های شان به سر کار باز نمی گردند، بلکه خواهان آزادی فوری و بی قید و شرط همکاران زندانی خود نیز می باشند.

در چنین شرایطی، کارفرما وقتی با مقاومت کارگران و عزم آن ها در تحقق مطالبات شان مواجه شد ، جهت فریب کارگران و درهم شکستن اعتصاب، در یک مقطع مقداری از حقوق پرداخت نشده آن ها را پرداخت نمود و این در حالی بود که برای ایجاد تفرقه در میان کارگران مبارز، از پرداخت همین حداقل به کارگران بازداشت شده خودداری کرد. اما، همبستگی و آگاهی کارگران باعث شد که این حيله کارگر نیفتد. تا جایی که همین برخورد کارفرما در عدم پرداخت بخشی از حقوق های عقب مانده دستگیر شدگان، اعتراض کارگران آگاه را هر چه بیشتر برانگیخت. سرانجام به رغم همه دسیسه ها و فریبکاری های کارفرما اتحاد و مقاومت کارگران باعث شد تا همه کارگران بازداشتی موقتاً با سپردن وثیقه بر مبنای فیش حقوقی از زندان آزاد شوند. به دنبال این موفقیت کارگران اعلام کرده اند که تا رسیدن به تمامی خواست های شان از پای نمی نشینند. بر طبق آخرین اخبار منتشره ، رژیم کارگر ستیز جمهوری اسلامی جهت مقابله با اعتراضات و اعتصاب دلاورانه اخیر کارگران نیشکر هفت تپه، ۴۰ تن دیگر از کارگران اعتصابی را به دادگستری خویش احضار نموده تا با پرونده سازی برای آن ها امکان بازداشت شان را فراهم نماید.

تجربه مبارزات کارگران نیشکر هفت تپه یکی از نمونه هایی است که نشان می دهد تحت سلطه رژیم جمهوری اسلامی هر کجا کارگران در مبارزات خود برای دستیابی به مطالبات شان در مقابل دسیسه های کارفرما هوشیارانه برخورد نموده و اتحاد خود را حفظ کرده اند ، توانسته اند گام های بلند تری در جهت رسیدن به خواست های خود به پیش بردارند. با این حال چنین موفقیت هایی در شرایط دیکتاتوری حاکم موقتی و ناپایدار می باشند. به خصوص که دیکتاتوری و سرکوب به مثابه سدی در مقابل سازمان یابی طبقه کارگر از متشکل شدن کارگران جلوگیری می کند و کارگران که از حق تشکل، آزادی بیان، آزادی اجتماعات محرومند و قانون حامی آن ها نبوده و ابزاری برای دفاع از منافع صنفی خود ندارند. واقعیت این است که دیکتاتوری حاکم که ریشه در سیستم سرمایه داری وابسته ایران دارد و چماق سرکوب آن می باشد مانع اصلی تحقق خواست های کارگران و به ثمر نشستن مبارزات آن هاست.

بی دلیل نیست که در ماه های اخیر به دنبال تشدید فقر و فلاکت و گرسنگی و بی حقوقی کارگران و گسترده شدن دامنه اعتراضات و اعتصابات کارگری، رژیم کارگر ستیز جمهوری اسلامی نیز هر چه بیشتر برای در هم شکستن روحیه اعتراضی و قلع و قمع مبارزات صنفی کارگران به اعمال قهر و بگیر و ببند و پیگرد هر چه بیشتر کارگران متوسل شده است.

تجربه مبارزات اخیر کارگران مجتمع نیشکر هفت تپه از جنبه کلی در مبارزات همه کارگران ایران بارها تکرار شده است. تجربه اعتصاب و اعتراضات این کارگران نیز بار دیگر نشان داد که کارگران محروم و مبارز ما حتا در جریان کوچک ترین اعتراضات صنفی خویش برای دریافت دسترنج خویش و حق بیمه و حقوق معوقه و دیگر خواست های صنفی به حق خویش نهایتاً با قدرت سیاسی و دستگاه سرکوب رژیم مواجه می شوند. چنین است که مثلاً اگر شرایط جامعه سرمایه داری ایران را با جوامع سرمایه داری متروپل مقایسه کنیم ، خواهیم دید که در جامعه ایران مبارزه صنفی کارگران خیلی زود به مبارزه سیاسی تبدیل می شود و این مبارزه نیز در شکل قهر آمیز خود بروز کرده و بلافاصله با قهر ضد انقلابی رژیم مواجه می گردد. از این روست که کارگران ایران در تجربه زندگی خود براحتی به پیوند سرمایه داران و قدرت سیاسی حاکم پی برده و متوجه می شوند که این قدرت در خدمت منافع سرمایه داران قرار دارد و در نتیجه درک این امر که رهائی آنان از ستم و استثمار سرمایه داران بدون نابودی این قدرت میسر نیست برای آنان مشکل نیست. به واقع نیز کارگران ایران برای رهائی از شرایط ظالمانه ای که سرمایه داران بر آنان تحمیل کرده اند ، راهی جز مبارزه برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی پیشروی خود ندارند.

به نقل از : ماهنامه کارگری ، ارگان کارگری چریکهای فدائی خلق ایران
شماره ۴۳ ، پانزدهم مرداد ماه [اسد] ۱۳۹۶